تفسیر امام رضاعليه‌السلام در منابع اهل سنت ـ سید مصطفی مطهری
فصلنامه تخصّصي مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دهم، شماره ۳۹ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، تابستان ۱۳۹۲، ص ۳۸ ـ ۶۲

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

تفسیر امام رضاعليه‌السلام در منابع اهل سنت

سید مصطفی مطهری*

چکیده: در این گفتار، متن روایات، اسناد روایات و رویکردها در نقل روایات رضوی در منابع تفسیری اهل سنت بررسی شده است. در منابع تفسیری اهل سنت، پنجاه و شش روایت از امام رضاعليه‌السلام نقل کرده‌اند که در این میان، تفسیر سلمی با ۲۰ حدیث و تفسیر ثعلبی با دوازده حدیث، بیشترین عدد و تفاسیر الدرالمنثور، تفسیر الرازی و تفسیر ابی السعود هر کدام تنها با یک روایت کمترین روایت را نقل کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: امام رضاعليه‌السلام / احادیث رضوی / تفاسیر اهل سنت.

*. پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث، پژوهشگر موسسه کتابشناسی شیعه.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

مقدمه

مطالعه شاخه‌های مختلف منابع علوم اسلامی نشان می‌دهد که عالمان فرق و مذاهب اسلامی، هر یک به گونه‌ای از علوم اهل بیت علیهم‌السلام بهره برده‌اند. توجه به این نکته، ضرورت بازخوانی دوباره منابع علمی را دو چندان می‌کند. فوائد این دسته امور در ابعاد گوناگون آن بر کسی پوشیده نیست. بررسی متون روایی و تفسیری اهل تسنن و گردآوری مجموعه تراث علمی اهل بیت، امری دشوار می‌نماید، اما ضرورت اصل این کار و نیز توجه به وظیفه تکمیل کارهای انجام شده امری است که می‌بایست همچنان مورد توجه قرار گیرد. تراث رضوی نیز از این قاعده مستثنی نیست، بدین روی تلاش شده است تا در نوشته حاضر تمام آنچه از امام رضا علیه‌السلام در منابع تفسیری اهل سنت نقل شده است، بصورت یک جا گزارش شود و نکاتی نیز به اختصار درباره آن بیان شود.

بدیهی است که نقل این مطالب که این منابع به امام رضا علیه‌السلام نسبت داده‌اند، هرگز به معنای تأیید محتوای آن یا تأیید صحّت این نسبت نیست. بلکه بطلان حتی بعضی از این مطالب، بدیهی است، مانند پاره‌ای از مطالب احادیث شماره ۱۰ و ۱۳ و ۲۱. بعضی نیز به توضیح نیاز دارند مانند حدیث شماره ۳۱[1].

۱. این گونه روایات در منابع دیگر نقد و بررسی شده که اینجا مجال پرداختن به این کار نیست. به عنوان نمونه به این منابع رجوع کنید:
الف. *الغدیر*، علامه امینی، ج ۷ متن عربی، شامل نقد و بررسی دهها روایت در فضائل، که براساس مبانی علم الحدیثی اهل تسنن، جعلی بودن آنها را نشان داده است.
ب. سلسله نوشتارهای سید علی میلانی، که توسط مرکز نشر حقایق اسلامی قم منتشر شده و متن کامل نیز در پایگاه اینترنتی مؤلف موجود است.
ج. بررسی در نقل روایات اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر "*الدرّ المنثور*" سیوطی، خانم نرگس نطقی. تهران: نبأ، ۱۳۹۱. این کتاب، رساله پایان نامه مؤلف بوده که پس از ویرایش‌ها و بازنگری‌های ضروری منتشر شده است.

۱ـ مصادر نقل روایات تفسیری امام رضاعلیه‌السلام:

از مجموعه مهمترین منابع تفسیری اهل سنت (که در ادامه به فهرست تمام منابع مورد استفاده اشاره می‌شود)، *تفسیر سلمی* و پس از آن *تفسیر ثعلبی* – نگاشته شاگرد سلمی– بیشترین میزان نقل روایات را بر عهده دارند. پس از این دو، *شواهد التنزیل* و *تفسیر آلوسی* (که تفسیری متاخر است) عهده‌دار نقل این روایات هستند. سه تفسیر *الدر المنثور*، *تفسیر الرازی* و *تفسیر ابی السعود* نیز – که هر کدام یک روایت از امام رضا**علیه‌السلام** نقل کرده‌اند – در جایگاه بعد قرار دارند. جدول زیر فراوانی این موارد را نشان می‌دهد.

عنوان اثر	تعداد روایات
تفسیر سلمی	۲۰
تفسیر ثعلبی	۱۲
شواهد التنزیل	۱۰
تفسیر آلوسی	۱۱
الدر المنثور	۱
تفسیر الرازی	۱
تفسیر ابی السعود	۱
جمع روایات	۵۶

۲ـ اسناد روایات

در میان مصادر مذکور، *تفسیر سلمی*، تمامی‌روایات خود از امام رضا**علیه‌السلام** را به صورت مسند و با سندی واحد نقل کرده‌اند؛ «سمعت منصور بن عبد الله یقول: سمعت أبا القاسم الإسکندرانی یقول: سمعت أبا جعفر الملطی یذکر عن علی بن موسی الرضا عن

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

أبیه عن جعفر بن محمد علیه السلام»[1]. از این راویان ترجمه گویایی در اختیار نیست، با این همه اندک مصادری این راویان را از جمله صوفیه نام برده‌اند، همانند أبو جعفر الملطی[2].

تفسیر ثعلبی پاره‌ای از روایات خود را از استادش سلمی به همان سند، تعدادی را از اساتید دیگر و چند مورد را به صورت مرسل نقل کرده است.

شواهد التنزیل (با صرف نظر از اختلاف درباره مذهب کاتب آن) بر خلاف دو تفسیر پیشین، از اساتید متعدّد استفاده کرده است، بطوری که کمتر اشتراکی در تکرار أسناد آن می‌توان دید. ضمنا سلسله روات آن حضور بیشتری در اسناد روایات شیعه دارند و حتی برخی از راویانی که دراین روایات، بدون واسطه از امام رضا علیه السلام نقل می‌کنند، دارای گونه‌ای نگاشته از امام رضا علیه السلام هستند که گزارش آن در منابع فهرستی آمده است.

با این همه می‌توان وجه اشتراک این سه تفسیر را در شیوه نقل از امام رضا علیه السلام چنین یافت: نقل از امام رضا از پدرانشان خصوصاً امام صادق علیه السلام.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

---

۱. بر اساس گزارشی از کتاب *بغية الطلب في تاريخ حلب* که به نقل روایتی از سلمی ـ مطابق با تفسیر وی تفسیر السلمي، السلمي، ج ۲، ص ۳۵۶ و ۳۵۷ ـ به احتمال زیاد اصل این روایات و با صرف نظر از میزان و نحوه گزارش‌دهی در آنها مربوط به نسخه‌ای مکتوب می‌شده است که تمام یا پاره‌ای از آن از عالمان ـ احتمالا صوفی نیشابور و در شرح آیاتی عرفانی/ رساله‌ای عرفانی ـ به منطقه شامات ارسال شده است. *بغية الطلب في تاريخ حلب*، عمر بن أحمد العقيلي الحلبي (ابن العديم) ، ج ۱۰ ، ص ۴۳۷۸.

۲. *بغية الطلب في تاريخ حلب*، عمر بن أحمد العقيلي الحلبي (ابن العديم) ، ج ۱۰ ، ص ۴۵۹۱ – ۴۵۹۲. همچنین در متون شیعه از شخصی با عنوان الحسن بن سلیمان الملطی نام برده شده است که تنها یک روایت از امام رضا دارد. استاد عطاردی درباره وی آورده است؛ ، الحسن بن سليمان الملطي لم نجده في كتب رجال الشيعة وفي *لسان الميزان*: الحسن بن سليمان الملقب قبيطة، روى ابن عبد البر في *التمهيد* من طريقه عن عثمان بن محمد بن ربيعة عن الدراوردي قال شيخنا في الذيل: الحسن بن سليمان هذا معدود من حفاظ الحديث، قال ابن يونس في *تاريخ مصر*: كان ثقة حافظا مات في آخر جمادي الآخرة سنة إحدى وستين ومائتين . (*مسند الإمام الرضا عليه السلام*، الشيخ عزيز الله عطاردي ، ج ۲ ، ص ۵۲۴). ابوالقاسم الاسکندرانی/ الفلسطینی نیز چندان شناخته شده نیست. ذهبی دو تن را با این عنوان آورده است. (*تاريخ الإسلام*، الذهبي، ج ۴۰، ص ۱۵۳ و ج ۴۵، ص ۳۸۹).

سه تفسیر – *الدر المنثور تفسیر الرازی و تفسیر ابی السعود* – هر کدام یک روایت نقل کرده‌اند. دو روایت مرسل است و تنها سیوطی روایت خود را به نقل از خطیب بغدادی با چنین تعبیری آورده است «وأخرج الخطیب فی التاریخ بسند فیه من لا یعرف عن یحیی بن أکثم انه قال فی مجلس الواثق...» (*الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، جلال الدین السیوطی، ج ۱، ص ۵۶). البته اصل‌این روایت از امام دهم علیه‌السلام است که آن را به نقل از اجداد طاهرین خود از امام رضا علیه‌السلام نقل نموده است (*تاریخ بغداد* ج۱۲، ص ۵۶).

تفسیر آلوسی نیز تمامی‌روایات خود را به صورت مرسل آورده است. البته با توجه به دیدگاه منتقدانه آلوسی می‌توان گفت وی این روایات را از مصادر شیعی و بدون ذکر اسناد یا نام مصدر بیان کرده است.

۳ـ رویکردها در نقل

نگاهی به مصادر حاوی این نقل‌ها و نحوه گزارش‌دهی آنها و نیز دیدگاههای نگارندگان آن، به روشنی گویای رویکردهای بکارگیری این روایات است. این مهم در چهار تفسیر سلمی، ثعلبی، حسکانی و آلوسی، با توجه به تعداد روایات آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است. با این همه تمایز تفسیر آلوسی از تفاسیر دیگر به روشنی معلوم است. چه آنکه جهت‌گیری نقل‌های آلوسی در یکی از این سه مورد می‌گنجد؛

الف. شاهدی بر روایات اهل سنت؛ وی در پاره‌ای موارد پس از نقل روایاتی از اهل سنت با بکارگیری تعابیری مانند «و کذا» یا «ایضاً» به نقل روایتی از امام در تایید یا تکمیل روایتی از اهل سنت می‌پردازد. برای نمونه وی در بحثی روایی پس از نقل روایتی از مسلم به نقل از ابی هریره، با تعبیر «و کذا» به حدیثی قدسی از امام از پیامبر اشاره می‌کند که همسو با ذیل روایت طرح شده از امام است (*روح المعانی*، *الآلوسی*، ج ۲۶، ص ۶۰، ۶۱).

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

ب. بیان تفسیری؛ در پاره‌ای موارد، آلوسی روایتی در تبیین مفهوم آیه و روشن شدن مفردات آن بیان کرده است، مانند آنچه در باره مراد از «سبع سماوات» (*همان*، ج ۲۸ ، ص ۱۴۴) و یا « التین» (*همان*، ج ۳۰ ، ص ۱۷۴) آورده است.

ج. نقد درونی متن؛ عدم پذیرش روایات و نامعتبر دانستن محتوای روایات امامیه از دیگر وجوهی است که آلوسی با ذکر روایات امام رضاعليه‌السلام بدان پرداخته است. البته وی در غالب موارد، از امام رضاعليه‌السلام با تعابیری چون رضی الله عنه یاد کرده است. برای نمونه وی پس از نقل روایتی از کتاب طبرسی از امام رضاعليه‌السلام چنین آورده است: «وحكى الطبرسي عن الرضا رضي الله تعالى عنه أن من اعتقد الحق ثم أذنب ولم يتب، عذب في البرزخ ويخرج يوم القيامة وليس له ذنب يسأل عنه ، ولعمري إن الرضا لم يقل ذلك» (همان، ج ۲۷، ص ۱۱۴).

تفاسیر دیگر، رویکردی «اثری» دارند و نقل روایات امام رضاعليه‌السلام در آنها صرفاً تفسیری ـ و نه انتقادی یا به عنوان شاهدی بر روایات اهل سنت ـ است. دو تفسیر ابی السعود و الرازی همان روایت مربوط به «تین» را با اندکی تفاوت در متن آورده‌اند. و تنها روایت الدر المنثور نیز که درباره «حلق راس آدم» است در کنار متون دیگر از اهل سنت – و البته غیر مرتبط با آنها و درباره حج حضرت آدمعليه‌السلام– آمده است (*الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، جلال الدین السیوطی ، ج ۱ ، ص ۵۶).

با این همه نگاه خاص مفسرانی چون سلمی‌در کنار برخی روایات شاگردش ثعلبی از یک سو، و نیز حاکم حسکانی از دیگر سو در تفسیر آیات، امری مهم است که باید بدان توجه نمود.

در حالی که مجموعه روایات سلمی درباره آموزه‌های عرفانی است، *شواهد التنزیل* روایاتی درباره جایگاه، شئون و مقامات اهل بیت، از امام رضاعليه‌السلام نقل کرده است. *تفسیر ثعلبی* اما گاه هم جهت با استادش سلمی و گاه همسو با شواهد التنزیل روایاتی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

را ارائه داده است. با این ملاحظه می‌توان چنین گفت که روایات امام رضاعليه‌السلام در تفاسیر اهل سنت به لحاظ موضوعی، از میان سه گونه اعتقادی، فقهی و آداب و سنن، به جز اندک مواردی همگی به حوزه اعتقادات اختصاص دارند.

۴ـ متن روایات تفسیری امام رضاعليه‌السلام در منابع اهل سنت

مجموعه روایات گردآوری شده پنجاه و شش مورد است. البته چنانکه گفته شد تعدادی از این روایات در مصادر پیشین خود تکرار شده‌اند، اما به جهت تفاوت‌های احتمالی در متن و نیز روشن شدن کیفیت نقل، همه این مجموعه ارائه شده است که به شرح زیر می‌باشد.

تفسير السلمي ، السلمي

۱. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي يذكر عن علي بن القاسم موسى الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمدعليه‌السلام قال: 'بسم' الباء بقاؤه والسين أسماؤه والميم ملكه، فإيمان المؤمن ذكره ببقائه وخدمة المريد ذكره بأسمائه، والعارف عن المملكة بالمالك لها. وقال أيضاً: 'بسم' ثلاثة أحرف: باء وسين وميم فالباء باب النبوة، والسين سر النبوة الذي أسر بها النبيصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به إلى خواص أمته، والميم مملكة الدين الذي أنعم به للأبيض والأسود. (ج ۱ ، ص ۲۶)

۲. سمعت منصوراً يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول بإسناده عن جعفر الصادقعليه‌السلام في قوله: (ومن دخله كان آمنا) فقال: من دخله على الصفة التي دخلها الأنبياء والأولياء والأصفياء، كان آمنا من عذابه كما آمنوا. (ج ۱ ، ص ۱۰۹)

۳. سمعت منصوراً يقول: سمعت أبا القاسم بإسناده عن جعفر بن محمدعليه‌السلام في قوله: (واتخذ الله إبراهيم خليلا) قال: أظهر اسم الخلة لإبراهيم، لأن الخليل ظاهر في المعنى وأخفى اسم المحبة لمحمدصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم لتمام حاله، إذ لا يحب الحبيب إظهار حال حبيبه، بل يحب إخفاءه وستره، لئلا يطلع عليه سواه ولا يدخل أحد فيما بينهما وقال لنبيه وصفيه محمدصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم لما أظهر له حال المحبة: (قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني). أي: ليس الطريق إلى محبة الله إلا باتباع حبيبه وطلب رضاه. (ج ۱، ص ۱۶۲)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

۴. قوله تعالى: (فانبجست منه اثنتا عشرة عينا قد علم كل أناس مشربهم). سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الفلسطيني يحكى عن الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد عليه السلام في هذه الآية قال: انبجست من المعرفة اثنتا عشرة عينا، يشرب كل أهل مرتبة في مقام من عين من تلك العيون على قدرها، فأول عين منها عين التوحيد، والثانية عين العبودية والسرور بها، والثالثة عين الإخلاص ، والرابعة عين الصدق، والخامسة عين التواضع، والسادسة عين الرضا والتفويض، والسابعة عين السكينة والوقار، والثامنة عين السخاء والثقة بالله، والتاسعة عين اليقين، والعاشرة عين العقل، والحادية عشر عين المحبة، والثانية عشر عين الأنس والخلوة، وهي عين المعرفة بنفسها، ومنها تنفجر هذه العيون. ومن شرب من عين منها يجد حلاوتها ويطمع في العين التي هي أرفع منها، من عين إلى عين حتى يصل إلى الأصل ، وإذا وصل إلى الأصل تحقق بالحق. (ج ۱، ص ۲۴۶، ۲)

۵. سمعت منصور بن عبد الله: يقول: سمعت أبا القاسم السكندري يقول: سمعت أبا جعفر الملطي يقول عن علي بن موسى الرضا عن أبيه: عن جعفر بن محمد قوله: (يمحو الله ما يشاء ويثبت) قال: يمحو الكفر ويثبت الإيمان، ويمحو النكرة ويثبت المعرفة، ويمحو الغفلة ويثبت الذكر، ويمحو البغض ويثبت المحبة، ويمحو الضعف ويثبت القوة، ويمحو الجهل ويثبت العلم، ويمحو الشك ويثبت اليقين، ويمحو الهوى ويثبت العقل على هذا الشق ودليله (كل يوم هو في شأن) محو أو إثبات. (ج ۱، ص ۳۳۷)

۶. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر يقول: الملطي يذكر عن علي بن موسى الرضى عن أبيه عن جعفر الصادق في قوله: (عباد الرحمن) قال: حملة الخلق من جهة الخلقة لا من جهة المعرفة. (ج ۱، ص ۳۵۵ – ۳۵)

۷. سمعت منصور بن عبد الله الأصبهاني، ويقال الهروي يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي يقول عن علي بن موسى الرضي عن أبيه عن جعفر في هذه الآية (لقد اتيناك سبع المثانى). قال: أكرمناك، وأنزلنا إليك وأرسلناك، وألهمناك، وهديناك، وسلطناك ثم أكرمناك سبع كرامات. أولهما: الهدى، والثاني: النبوة، والثالث: الرحمة، والرابع: الشفقة، والخامس: المودة والألفة، والسادس: النعيم، والسابع: السكينة، والقرآن العظيم، وفيه اسم الله الأعظم. (ج ۱، ص ۳۵۹ ، ۳۶۰)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

۸. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد في قوله: (أدخلني مدخل صدق) قال: أدخلني فيها على حد الرضا، وأخرجني عنها وأنت عني راض. وقال أيضا: أخرجني من القبر إلى الوقوف بين يديك على طريق الصدق مع الصادقين. قال جعفر: طلب التولية أن يكون هو المتولي أي أدخلني ميدان معرفتك وأخرجني من مشاهدة الذات. (ج ۱، ص ۳۹۴)

۹. سمعت منصور يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي يقول: عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد في قوله (إلا آتي الرحمن عبدا) قال: فقيرا ذليلا بأوصافه أو عزيزا دالا بأوصاف الحق. (ج ۱، ص ۴۳۳)

۱۰. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد في قوله (مسني الضر) قال: حبس عني الوحي أربعين يوما فخشى الهجران من ربه، والقطيعة فقال: (مسني الضر). (ج ۲، ص ۱۲، ۱۳)

۱۱. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم يقول: سمعت أبا جعفر الملطي يقول: عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد عليهم السلام في قوله (طهر بيتي للطائفين) قال: طهر نفسك من مخالطة المخالفين والاختلاط بغير الحق، والقائمين هم قواد العارفين المقيمون معه على بساط الأنس والخدمة، (والركع السجود): الأمة والسادة الذين رجعوا إلى البداية عن تناهي النهاية. (ج ۲، ص ۲۰)

۱۲. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي عن علي بن موسى الرضا عن أبيه جعفر بن محمد رضي الله عنهم في قوله: (وبشر المخبتين) قال: من أطاعني ثم خافني في طاعتي وتواضع لأجلي بشر من اضطرب قلبه شوقا إلى لقائي، وبشر من ذكرني بالنزول في جواري، وبشر من دمعت عيناه خوفا لهجري بشرهم 'أن رحمتي سبقت غضبي'. وقال أيضاً: بشر أمتك بالشفاعة. وقال أيضا: بشر المشتاقين إلى بالنظر إلى وجهي . وقال أيضا: المخبتين في التواضع كالأرض تحمل كل قدر ، وتواري كل نجس وخبث. (ج ۲، ص ۲۳، ۲۴)

۱۳. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا جعفر الملطى يقول عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد الصادق رضي الله عنه وعنهم قال: نور السماوات بنور الكواكب والشمس والقمر، ونور الأرضين بنور النبات الأحمر، والأصفر، والأبيض وغير ذلك، ونور قلوب المؤمنين بنور

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

الإيمان ، والإسلام، ونور الطريق إلى الله جل جلاله بنور أبي بكر وعمر وعثمان وعلي رضوان الله عليهم ورحمته. فمن اجل ذلك قال النبيﷺ: ' أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم'. وقال أيضا: في هذه الآية نور السماوات بأربع: جبريل، وميكائيل، وإسرافيل، وعزرائيلعليهم السلام. ونور الأرض بأبى بكر وعمر وعثمان وعلي رضي الله عنهم. (ج ٢ ، ص ٥٢)

١۴. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد رحمه الله في قوله: (تبارك الذي جعل في السماء بروجا) قال: سمى السماء سماء لرفعتها والقلب سماء لأنه يسمو بالإيمان والمعرفة، بلا حد ولا نهاية كما أن المعروف لا حد له كذلك المعرفة به لا حد لها، وبروج السماء مجاري الشمس والقمر وهي: الحمل، والثور والجوزاء، والسرطان، والأسد، والسنبلة، والميزان، والعقرب، والقوس، والجدي، والدلو، والحوت، وفي القلب بروج وهو برج الايمان، وبرج المعرفة، وبرج العقل، وبرج اليقين، وبرج الإسلام، وبرج الإحسان، وبرج التوكل، وبرج الخوف، وبرج الرجاء، وبرج المحبة، وبرج الشوق، وبرج الوله. فهذه اثنا عشر برجا بها دوام صلاح القلب، كما أن الاثني عشر برجا من الحمل والثور إلى آخر العدد صلاح الدار الفانية وأهلها. (ج ٢، ص ۶۵ ، ۶۶)

١۵. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي يقول عن علي بن موسى الرضى عن أبيه جعفر بن محمد رضي الله عنهم في قوله: (والنجم إذا هوى) اسرح منه الأنوار (والنجم) قلب محمدﷺ (إذا هوى) انقطع عن جميع ما سوى الله عز وجل. (ج ٢، ص ٢٨٣)

١۶. سمعت أبا نصر الاصفهاني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي عن علي بن موسى الرضى عن أبيه عن جعفر بن محمد الصادق رضي الله عنهم أجمعين قال: الظل: رحمة الله التي ثبتت لمحمدﷺ، والممدود فضله على الموحدين وعدله على الموحدين. (ج ٢، ص ٣٠١)

١٧. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت الملطي يحكي عن الرضى عن أبيه عن الصادق في قوله: (القدوس). قال: الطاهر عن كل عيب وظهر من شاء من العيوب، والمهيمن: الذي ليس كمثله شيء. وسمى القرآن مهيمنا لأنه لا يشبه غيره من الكلام. (ج ٢، ص ٣٢٢)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

۱۸. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي يقول: عن علي بن موسى الرضي عن أبيه عن جعفر بن محمد في قوله: (فاقرءوا ما تيسر من القرآن) قال: ما تيسر لكم فيه خشوع القلب وصفاء السر... (ج ۲، ص ۳۵۷)

۱۹. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي عن علي بن موسى الرضي عن أبيه عن جعفر بن محمد رضي الله عنهم أجمعين في قوله: (نار الله الموقدة التي تطلع على الأفئدة) قال: النيران شتى مختلفة، فمنها نار المحبة والمعرفة تتقد في أفئدة الموحدين، ونيران جهنم في أفئدة الكافرين، ونيران المحبة إذا اتقدت في قلوب المؤمنين تحرق كل هم غير الله ، وكل ذكر سوى ذكره (ج ۲، ص ۴۲۰)

۲۰. سمعت منصور بن عبد الله يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي يحكي عن علي بن موسى عن أبيه عن جعفر بن محمد رضي الله عنهم في قوله: (قل هو الله أحد). قال: معناه اظهر ما تريده النفس بتأليف الحروف، فإن الحقائق مصونة على أن يبلغها، وهم اوفهم وإظهار ذلك بالحروف ليهتدي بها من ألقى السمع ، وهو إشارة إلى غائب وإنما هو تنبيه على معنى ثابت. والواو إشارة إلى الغائب عن الحواس، والأحد الفرد الذي لا نظير له. فمعنى قوله: (أحد) أي معبود يأله الخلائق إليه فيعجزوا عن إدراكه فإنه بألوهيته متعال عن الإدراك بالعقول والحواس، و (الصمد) المتعال عن الكون والفساد، و (الصمد) الذي لا يوصف بالتغاير. وسورة الإخلاص خمس كلمات: (الله إحد) دلالة على الفردانية (الله الصمد) دلالة على العز (ولم يلد) معرفة الربوبية (لم يولد) معرفة التنزيه (ولم يكن له كفوا أحد) معرفة أن (ليس كمثله شيء) وهذه بأجمعها تدلك على الانقطاع إليه، والتبرئ ما سواه . (ج ۲، ص ۴۳۱)

الكشف والبيان عن تفسير القرآن (تفسير الثعلبي)، الثعلبي

۲۱. وحدثنا الحسن بن محمد حدثنا أبو نصر منصور بن عبد الله الاصفهاني حدثنا أبو القاسم الإسكندراني حدثنا أبو جعفر الملطي عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد أنه قال: اجتمع آل محمد على الجهر ب (بسم الله الرحمن الرحيم) وعلى أن يقضوا ما فاتهم من صلاة الليل بالنهار، وعلى أن يقولوا في أبي بكر وعمر أحسن القول وفي صاحبهما. وبهذا الإسناد قال: سئل الصادق عن الجهر بالتسمية فقال: الحق الجهر به وهي التي ذكر الله عز وجل: (وإذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على أدبارهم نفورا). (ج ۱، ص ۱۰۶)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

۲۲. وعن علي بن موسى الرضا عن جعفر الصادق وقد سئل عن قوله: (ألم) فقال: في الألف ست صفات من صفات الله: الابتداء ؛ لأن الله تعالى ابتدأ جميع الخلق و (الألف) ابتداء الحروف، والاستواء فهو عادل غير جائر و (الألف) مستو في ذاته، والانفراد والله فرد والألف فرد، وإتصال الخلق بالله والله لا يتصل بالخلق فهم يحتاجون إليه وله غني عنهم. وكذلك الألف لا يتصل بحرف فالحروف متصله: وهو منقطع عن غيره والله باين بجميع صفاته من خلقه ومعناه من الإلفة فكما أن الله سبب إلفه الخلق فكذلك الألف عليه تألفت الحروف وهو سبب إلفتها. (ج ۱، ص ۱۴۰)

۲۳. روى علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر الصادق ج قال: حدّثني أبي عن أبيه علي ابن الحسين، في قوله تعالى: "(لَوْلاَ أن رَّأى بُرهانَ رَبِّهِ) قال: قامت امرأة العزيز إلى الصنم فأظلت دونه بثوب فقال لها يوسف: ما هذا ؟ فقالت: أستحيي من الصنم أن يرانا، فقال يوسف: أتستحيين ممَّن لا يسمع ولا يُبصر ولا يفقه ولا يشهد؛ ولا أستحيي ممّن خلق الأشياء وعلّمها ؟ وقال جعفر بن محمد: البرهان، النبوّة التي أودع الله صدره، هي التي حالت بينه وبين ما يسخط الله. (ج ۵ ، ص ۲۱۳)

۲۴. حدثنا أحمد بن علي بن مهدي، حدثني أبي، حدثنا علي بن موسى الرّضا، حدثني أبي موسى بن جعفر، حدثنا أبي جعفر بن محمد الصادق ، قال: كان نقش خاتم أبي محمد بن علي: ظنّي بالله حسن وبالنبي المؤتمن وبالوصي ذي المنن والحسين والحسن . (ج ۸ ، ص ۳۱۱)

۲۵. علي بن موسى الرضا: حدثني أبي موسى بن جعفر، حدثني أبي جعفر بن محمد، حدثني أبي محمد بن علي، حدثني أبي علي بن الحسين، قال: قال رسول الله ﷺ: حرمت الجنّة على من ظلم أهل بيتي وآذاني في عترتي، ومن اصطنع صنيعة إلى أحد من ولد عبد المطلب ولم يجازه عليها، فأنا أجازيه غداً إذا لقيني في يوم القيامة. (ج ۸ ، ص ۳۱۲)

۲۶. وأخبرني ابن السري النحوي في درب حاجب قال: أخبرنا محمد بن عبد الله بن محمد العماني قال: أخبرنا عبد الله بن أحمد بن عامر قال: حدّثنا أبي قال: حدّثني علي بن موسى الرضا قال: حدّثني أبي موسى بن جعفر قال: حدّثني أبي جعفر بن محمد قال: حدّثني أبي محمد بن علي قال: حدّثني أبي علي بن الحسين قال: حدّثني أبي الحسين بن علي قال: حدّثني أبي علي بن أبي طالب قال: قال رسول الله ﷺ: إنّ الله عزّ وجل قدّر المقادير ودبر التدبر قبل أن يخلق ادم بألفي عام. (ج ۹ ، ص ۱۷۲)

۲۷. أخبرنا أحمد بن السري العروضي في درب الحاجب، أخبرنا محمد بن عبد الله بن أحمد ابن جعفر العماني، أخبرنا عبد الله بن أحمد بن عامر الطائي، حدثني أبي، حدّثنا عليّ بن موسى الرضا حدّثنا أبي موسى بن جعفر عن أبيه جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن عليّ عن أبيه عليّ بن الحسين عن أبيه الحسين بن عليّ عن أبيه عليّ بن أبي طالب ح قال: قال رسول الله: عليكم بحسن الخُلق فإنّ حُسن الخُلق في الجنّة لا محالة، وإياكم وسوء الخُلق فإنّ سوء الخُلق في النار لا محالة. (ج ۱۰، ص ۱۰)

۲۸. (فاقرءُوا ما تيسّر منه) سمعت محمد بن الحسن السلمي، يقول: سمعت منصور بن عبد الله، يقول: سمعت أبا القيّم الأسكندراني، يقول: سمعت أبا جعفر الملطي، يقول: عن عليّ ابن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر بن محمد في هذه الآية، قال: ما تيسّر لكم منه خشوع القلب وصفاء السر. (ج ۱۰، ص ۶۶)

۲۹. سمعت الأستاذ أبا القاسم الحبيبي يقول: سمعت أبا نصر منصور بن عبد الله الأصفهاني يقول: سمعت أبا القاسم الإسكندراني يقول: سمعت أبا جعفر الملطي يقول: سمعت أبي يقول: سمعت علي بن موسى الرضا يقول: سمعت أبي يقول: سئل جعفر بن محمد الصادق: لم أؤتم النبيﷺ عن أبويه؟ فقال: لئلاّ يكون عليه حق لمخلوق (ج ۱۰، ص ۲۲۵)

۳۰. أخبرنا يعقوب بن أحمد بن السهمي العروضي في درب الحاجب قال: أخبرنا محمد بن عبد اللّه العثماني قال: حدّثنا أبا القاسم الطائي قال: حدّثني أبي قال: حدّثني علي بن موسى الرضا قال: حدّثني أبي موسى بن جعفر قال: حدّثني أبي جعفر بن محمد قال: حدّثني أبي محمد بن علي قال: حدّثني أبي علي بن الحسين قال: حدّثني أبي الحسين بن علي قال: حدّثني أبي علي بن أبي طالب قال: قال رسول اللّهﷺ: من قرأ (إِذَا زُلْزِلَتْ) أربع مرّات، كان كمن قرأ القرآن كلّه. (ج ۱۰، ص ۲۶۳)

۳۱. وحدّثنا أبو الحسن محمد بن علي بن الحسين بن القيّم الحسني السُّني قال: حدّثنا أحمد ابن علي بن مهدي بن صدقة بالرملة قال: حدّثني أبي قال: حدّثنا علي بن موسى الرضا قال: حدّثني أبي موسى بن جعفر قال: حدّثني أبي جعفر بن محمد قال: حدّثني أبي محمد بن علي، قال حدّثني أبي علي بن الحسين قال: حدّثني أبي الحسين بن علي قال: حدّثني أبي علي بن أبي طالب قال: قال رسول اللّهﷺ في قول سبحانه: "ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذ عَنْ النَّعِيمِ" قال: الرطب والماء البارد. (ج ۱۰، ص ۲۷۸)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

۳۲. وقال قتادة: الصمد: الباقي بعد خلقه، عاصم ومعمر: هو الدائم، علي بن موسى الرضا: هو الذي أيست العقول عن الاطلاع على كيفيته. (ج ۱۰، ص ۳۳۵)

شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، الحاكم الحسكاني

۳۳. ۱۷۷، حدثني أبو الحسن محمد بن القاسم الفارسي قال: حدثنا أبو جعفر محمد بن علي قال: حدثنا حمزة بن محمد العلوي قال: أخبرنا علي بن إبراهيم، عن أبيه عن علي بن معبد، عن الحسين بن خالد: عن علي بن موسى الرضا، عن أبيه عن آبائه عن علي (علیهم‌السلام) قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: من أحب أن يركب سفينة النجاة ويتمسك بالعروة الوثقى ويعتصم بحبل الله المتين، فليوال عليا وليأتم بالهداة من ولده . (ج ۱، ص ۱۶۸)

۳۴. ۲۰۷، أخبرنا أبو سعيد محمد بن علي الحيري وأبو بكر محمد بن عبد العزيز الجوري ، قالا: أخبرنا أبو سعيد عبد الله بن محمد الرازي قال: قرئ على أبي الحسن علي بن مهرويه القزويني بها في الجامع وأنا أسمع، سنة تسع وثلاث مائة، قال: حدثنا أبو أحمد داود بن سليمان قال: حدثني علي بن موسى الرضا، قال: أخبرني أبي، عن أبيه جعفر، عن أبيه محمد، عن أبيه علي عن أبيه الحسين عن أبيه علي بن أبي طالب علیهم‌السلام قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم في هذه الآية: (فأولئك الذين أنعم الله عليهم) قال: (من النبيين) محمد، و (من الصديقين) علي بن أبي طالب، و (من الشهداء) حمزة، و (من الصالحين) الحسن والحسين (وحسن أولئك رفيقا) قال: القائم من آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم لفظا سواء. (ج ۱، ص ۱۹۷)

۳۵. ۲۹۲، أخبرنا أبو عبد الله الشيرازي قال: أخبرنا أبو بكر الجرجرائي قال: حدثنا أبو أحمد البصري قال: حدثني محمد بن سهل، قال: حدثنا عمرو بن عبد الجبار بن عمرو، قال: حدثنا أبي، عن علي بن موسى بن جعفر بن محمد، عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه، عن جده عن علي بن الحسين، عن أبيه. عن علي بن أبي طالب (علیهم‌السلام) في قول الله تعالى: (واعلموا انما غنمتم من شئ) الآية، قال: لنا خاصة، ولم يجعل لنا في الصدقة نصيبا، كرامة أكرم الله تعالى نبيه وآله بها ، وأكرمنا عن أوساخ أيدي المسلمين. (ج ۱، ص ۲۸۵)

۳۶. ۴۷۵، أخبرنا أبو علي الخالدي كتابة سنة تسع وتسعين وثلاث مائة، وكتبته من خط يده، قال: حدثني أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن مروان الخوري بالري قال: حدثنا أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن موسى بن جعفر العلوي قال: حدثني يحيى بن سعيد المخزومي قال: حدثنا

صباح المديني قال: أخبرني إسماعيل بن أبان، عن كثير بن أبي كثير عن أبيه، عن أبيهارون العبدي: عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: كنا مع النبيﷺ إذ أبصر برجل ساجد راكع متطوع متضرع، فقلنا: يا رسول الله ما أحسن صلاته؟ فقال: هذا الذي أخرج أباكم آدم من الجنة، فمضى إليه علي غير مكترث فهزه هزا أدخل أضلاعه اليمنى في اليسرى واليسرى في اليمنى ثم قال: لأقتلنك إن شاء الله. فقال: إنك لن تقدر على ذلك، إن لي أجلا معلوما من عند ربي، مالك تريد قتلي؟ فوالله ما أبغضك أحد إلا سبقت نطفتي في رحم أمه قبل أن يسبق نطفة أبيه، و لقد شاركت مبغضك في الأموال والأولاد، وهو قول الله تعالى في محكم كتابه: (وشاركهم في الأموال والأولاد، وعدهم وما يعدهم الشيطان إلا غرورا) فقال النبيﷺ: صدقك والله يا علي لا يبغضك من قريش إلا سفاحيا، ولا من الأنصار إلا يهوديا، ولا من العرب إلا دعيا ولا من سائر الناس إلا شقيا، ولا من النساء إلا سلقلقية وهي التي تحيض من دبرها. ثم أطرق مليا فقال: معاشر الأنصار اغدو أولادكم على محبة علي. قال جابر: كنا نبور أولادنا في وقعة الحرة [كذا] بحب علي فمن أحبه علمنا أنه من أولادنا ، ومن أبغضه أشفينا منه. (ج ١، ص ۴۴۷، ۴۴۹)

۳۷. ۴۸۸ ، أخبرنا عبد الرحمان بن علي بن محمد بن موسى البزاز من أصله العتيق قال: أخبرنا هلال بن محمد بن جعفر بن سعدان ببغداد، قال: حدثنا أبو القاسم إسماعيل بن علي الخزاعي قال: حدثنا أبي قال: حدثنا علي ابن موسى الرضا [قال: أخبرني] أبي [قال: أخبرنا] أبي [جعفر بن محمد] [قال: أخبرنا] أبي [محمد بن علي] [قال: أخبرنا] أبي [علي بن الحسين] [قال: أخبرني] أبي [الحسين بن علي] قال: حدثنا أبي علي بن أبي طالب قال: قال رسول الله ﷺ: ليلة عرج بي إلى السماء حملني جبرئيل على جناحه الأيمن، فقيل لي: من استخلفته على أهل الأرض؟ فقلت: خير أهلها لها أهلا، علي بن أبي طالب أخي وحبيبي وصهري يعني ابن عمي. فقيل لي: يا محمد أتحبه ؟ فقلت: نعم يا رب العالمين. فقال لي: أحبه ومر أمتك بحبه ، فإني أنا العلي الأعلى اشتققت له من أسمائي اسما فسميته عليا، فهبط جبرئيل فقال: إن الله يقرأ عليك السلام ويقول لك: إقرأ. قلت: وما أقرأ؟ قال : (و وهبنا لهم من رحمتنا، وجعلنا لهم لسان صدق عليا). (ج ١، ص ۴۶۲، ۴۶۳)

۳۸. ۴۸۹، أخبرنا أبو علي الخالدي كتابة من هراة قال: أخبرنا أبو علي أحمد بن علي بن مهدي بن صدقة الرقي سنة أربعين وثلاث مائة، قال: حدثنا أبي قال: حدثنا علي بن موسى الرضا، قال: حدثني أبي موسى بن جعفر، قال: حدثني أبي جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين عن

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

أبيه: عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لعلي بن أبي طالب: يا علي قل رب اقذف لي المودة في قلوب المؤمنين، رب اجعل لي عندك عهدا، رب اجعل لي عندك ودا. فأنزل الله تعالى: (إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمان ودا). فلا تلقى مؤمنا ولا مؤمنة إلا وفي قلبه ود لأهل البيت (عليهم السلام) (ج ١، ص ۴۶۴)

۳۹. ۸۵۱، أخبرنا عبد الرحمان بن علي بن محمد البزاز، أخبرنا هلال بن محمد بن جعفر بن سعدان ببغداد، حدثنا أبو القاسم إسماعيل بن علي الخزاعي بواسط، حدثنا أبي، قال: حدثنا علي بن موسى الرضا، حدثنا أبي موسى حدثنا أبي جعفر، حدثنا أبي محمد بن علي الباقر: عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: إني لأدناهم من رسول الله في حجة الوداع بـ "منى" حين قال: لا ألفينكم ترجعون بعدي كفارا يضرب بعضكم رقاب بعض، وأيم الله لئن فعلتموها لتعرفنني في الكتيبة التي تضاربكم. ثم التفت إلى خلفه فقال: أو علي أو علي، ثلاثا، فرأينا أن جبرئيل غمزه، وأنزل الله على أثر ذلك: (فإما نذهبن بك فإنا منهم منتقمون)، بعلي بن أبي طالب، (فاستمسك بالذي أوحي إليك)، من أمر علي، (إنك على صراط مستقيم)، وإن عليا لعلم للساعة، (وإنه لذكر لك ولقومك وسوف تسألون) عن محبة علي بن أبي طالب. (ج ٢، ص ٢١۶)

۴۰. حدثونا عن أبي بكر السبيعي قال: كتب إلينا أحمد بن حماد بن سفيان القاضي إجازة قال: حدثني زيدان حدثنا عبد الله بن عبد الرحمان، عن الفريابي، عن سفيان، عن ابن أبي نجيح، عن مجاهد: عن ابن عباس في قوله تعالى (مرج البحرين يلتقيان) قال: علي وفاطمة (بينهما برزخ لا يبغيان) ود لا يتباغضان (يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان) قال: الحسن والحسين. والذي ورد عن أبي مالك عن ابن عباس مثل ما ورد في الباب عن أبي ذر، وجعفر الصادق وعلي الرضا. (ج ٢، ص ٢٨٩)

۴۱. ۹۸۲، وأخبرنا أبو نصر محمد بن عبد الواحد بن أحمد بن الحسين بقراءتي عليه أخبرنا عبد الله بن أحمد بن جعفر أخبرنا أبو علي أحمد بن محمد بن علي القاشاني، قال: حدثني العمري عن علي بن موسى بن جعفر بن محمد، عن أبيه موسى عن أبيه عن جده قال: قال رسول الله في قوله تعالى: (وصالح المؤمنين) قال: صالح المؤمنين علي بن أبي طالب. (ج ٢، ص ٣۴١، ٣۴٣)

۴۲. ۱۰۴۲، أخبرنا أحمد بن الوليد بن أحمد بقراءتي عليه من أصله، قال: أخبرني أبي أبو العباس الواعظ حدثنا أبو عبد الله محمد بن الفضل النحوي ببغداد في جانب الرصافة إملاءا سنة إحدى وثلاثين وثلاثمائة حدثنا الحسن بن علي بن زكريا البصري حدثنا الهيثم بن عبد الله الرماني، قال:

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

حدثني علي بن موسى الرضا حدثني أبي موسى، عن أبيه جعفر بن محمد، عن أبيه محمد، عن أبيه علي، عن أبيه الحسين، عن أبيه علي بن أبي طالب قال: لما مرض الحسن والحسين عادهما رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقال لي: يا أبا الحسن لو نذرت على ولديك لله نذرا أرجو أن ينفعهما الله به. فقلت: علي لله نذر لئن برئ حبيباي من مرضهما لأصومن ثلاثة أيام . فقالت فاطمة: وعلي لله نذر لئن برئ ولداي من مرضهما لأصومن ثلاثة أيام. وقالت جاريتهم فضة: وعلي لله نذر لئن برئ سيداي من مرضهما لأصومن ثلاثة أيام. فألبس الله الغلامين العافية فأصبحوا وليس عند آل محمد قليل ولا كثير، فصاموا يومهم وخرج علي إلى السوق فإذا شمعون اليهودي في السوق و كان له صديقا فقال له: يا شمعون أعطني ثلاثة أصوع شعيرا وجزة صوف تغزله فاطمة . فأعطاه شمعون ما أراد فأخذ الشعير في ردائه والصوف تحت حضنه ودخل منزله، فأفرغ الشعير وألقى الصوف فقامت فاطمة إلى صاع من الشعير، فطحنته وعجنته وخبزت منه خمسة أقراص وصلى علي مع رسول الله المغرب ودخل منزله ليفطر، فقدمت إليه فاطمة خبز شعير وملحا جريشا وماءا قراحا. فلما دنوا ليأكلوا وقف مسكين بالباب فقال: السلام عليكم أهل بيت محمد، مسكين من أولاد المسلمين، أطعمونا أطعمكم الله من موائد الجنة. فقال علي:

فاطم ذات الرشد واليقين	يا بنت خير الناس أجمعين
أما ترين البائس المسكين	جاء إلينا جائع حزين
قد قام بالباب له حنين	يشكو إلى الله ويستكين
كل أمرء بكسبه رهين	فأجابته فاطمة وهي تقول
أمرك عندي يا ابن عم طاعة	ما بي لؤم لا ولا ضراعة
فاعطه ولا تدعه ساعة	نرجو له الغياث في المجاعة
ونلحق الأخيار والجماعة	وندخل الجنة بالشفاعة

فدفعوا إليه أقراصهم وباتوا ليلتهم لم يذوقوا إلا الماء القراح، فلما أصبحوا عمدت فاطمة إلى الصاع الاخر، فطحنته وعجنته وخبزت خمسة أقراص وصاموا يومهم، وصلى علي مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم المغرب، ودخل منزله ليفطر. فقدمت إليه فاطمة خبز شعير وملحا جريشا وماءا قراحا. فلما دنوا ليأكلوا، وقف يتيم بالباب فقال: السلام عليكم يا أهل بيت محمد، أنا يتيم من أولاد المسلمين، استشهد والدي مع رسول الله يوم أحد، أطعمونا أطعمكم الله على موائد الجنة. فدفعوا إليه أقراصهم وباتوا يومين وليلتين لم يذوقوا إلا الماء القراح. فلما أن كان في اليوم الثالث عمدت

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

فاطمة إلى الصاع الثالث وطحنته وعجنته وخبزت منه خمسة أقراص، وصاموا يومهم وصلى علي مع النبي المغرب. ثم دخل منزله ليفطر، فقدمت فاطمة إليه خبز شعير وملحا جريشا وماءا قراحا. فلما دنوا ليأكلوا وقف أسير بالباب فقال: السلام عليكم يا أهل بيت النبوة أطعمونا أطعمكم الله، فأطعموه أقراصهم. فباتوا ثلاثة أيام ولياليها، لم يذوقوا إلا الماء القراح. فلما كان اليوم الرابع عمد علي، والحسن والحسين يرعشان كما يرعش الفرخ، وفاطمة وفضة معهم فلم يقدروا على المشي من الضعف، فأتوا رسول الله فقال: إلهي هؤلاء أهل بيتي يموتون جوعا، فارحمهم يا رب واغفر لهم، إلهي هؤلاء أهل بيتي فاحفظهم ولا تنسهم. فهبط جبرئيل وقال: يا محمد إن الله يقرأ عليك السلام ويقول: قد استجبت دعاءك فيهم وشكرت لهم ورضيت عنهم واقرأ: (إن الأبرار يشربون من كأس كان مزاجها كافورا، إلى قوله: إن هذا كان لكم جزاء وكان سعيكم مشكورا). والحديث اختصرته في مواضع . (ج ۲ ، ص ۳۹۴ ، ۳۹۷)

تفسير الرازي ، فخر الدين الرازي

۴۳. وعن علي بن موسى الرضا عليهما السلام: التين يزيل نكهة الفم ويطول الشعر وهو أمان من الفالج، وأما كونه دواء ، فلأنه يتداوى به في إخراج فضول البدن. (ج ۳۲ ، ص ۸)

الدر المنثور في التفسير بالمأثور ، جلال الدين السيوطي

۴۴. وأخرج الخطيب في التاريخ بسند فيه من لا يعرف عن يحيى بن أكتم انه قال في مجلس الواثق: من حلق رأس آدم حين حج فتعايا الفقهاء عن الجواب. فقال لواثق: أنا أحضر من ينبئكم بالخبر. فبعث إلى علي بن محمد بن جعفر بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب فسأله، فقال: حدثني أبى عن جدي عن أبيه عن جده قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أمر جبريل ان ينزل بياقوتة من الجنة، فهبط بها فمسح بها رأس آدم فتناثر الشعر منه فحيث بلغ نورها صار حرما. (ج ۱، ص ۵۶)

تفسير أبي السعود، أبي السعود

۴۵. وعن علي بن موسى الرضا: التين يزيل نكهة الفم ويطول الشعر، وهو أمان من الفالج. وأما الزيتون فهو فاكهة وإدام ودواء . (ج ۹، ص ۱۷۴)

تفسير الآلوسي، الآلوسي

۴۶. وروى الرضا عن أبيه عن أبي عبد الله أن من استغفر الله تعالى في وقت السحر سبعين مرة فهو من أهل هذه الآية. (ج ۳، ص ۱۰۲)

۴۷. (فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ) هو على ما روي عن ابن عباس رضي الله تعالى عنه صاحب الصور عليه السلام، وقيل: مالك خازن النار. وقيل: ملك من الملائكة غيرهما يأمره الله تعالى بذلك. ورواية الإمامية عن الرضا وابن عباس أنه علي كرم الله تعالى وجهه مما لم يثبت من طريق أهل السنة وبعيد عن هذا الإمام أن يكون مؤذناً، وهو إذ ذاك في حظائر القدس. (ج ۸ ، ص ۱۲۳)

۴۸. والاستقامة مع الهيبة والرجاء حال المقربين. والاستقامة مع الغيبة عن رؤية الاستقامة حال العارفين (ولا تطغوا) ولا تخرجوا عما حدّ لكم من الشريعة، فإن الخروج عنها زندقة (ولا تركنوا) أي لا تميلوا أدنى ميل (إلى الذين ظلموا) وهي النفوس المظلمة المائلة إلى الشرور في أصل الخلقة كما قيل: الظلم من شيم النفوس فان تجد ذا عفة فلعلة لم يظلم. وروي ذلك عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن جعفر رضي الله تعالى عنهم. (ج ۱۲، ص ۱۶۸)

۴۹. (وما جعلنا لبشر من قبلك الخلد) (الأنبياء : ۳۴). وسئل عنه شيخ الإسلام ابن تيمية فقال: لو كان الخضر حياً، لوجب عليه أن يأتي إلى النبي صلى الله عليه وآله وسلم ويجاهد بين يديه ويتعلم منه. وقد قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم يوم بدر: اللهم إن تهلك هذه العصابة لا تعبد في الأرض. فكانوا ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً معروفين بأسمائهم وأسماء آبائهم وقبائلهم فأين كان الخضر حينئذٍ؟ وسئل إبراهيم الحربي عن بقائه فقال: من أحال على غائب لم ينتصف منه وما ألقى هذا بين الناس إلا الشيطان. ونقل في "البحر" عن شرف الدين أبي عبد الله محمد بن أبي الفضل المرسي القول بموته أيضاً. ونقله ابن الجوزي عن علي بن موسى الرضا رضي الله تعالى عنهما أيضاً. (ج ۱۵، ص ۳۲۰)

۵۰. و يدخل في العموم قراءة القرآن للموتى بالأجرة، فلا ثواب فيها للميت ولا للقارئ أصلاً. وقد عمت البلوي بذلك والناس عنه غافلون وإذا نبهوا لا يتنبهون فانا لله تعالى وإنا إليه راجعون. وقد بالغ في العموم من جعل الاستعانة في الطاعات كالوضوء شركاً منهياً عنه فقد قال الراغب في المحاضرات: إن علي بن موسى الرضا رضي الله تعالى عنهما كان عند المأمون. فلما حضر وقت الصلاة، رأى الخدم يأتونه بالماء والطست. فقال الرضا رضى الله تعالى عنه: لو توليت هذا بنفسك، فإن الله تعالى يقول: (فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً ولا يشرك بعبادة ربه أحداً). (ج ۱۶، ص ۵۵)

۵۱. (الْقَدِيم) أي العتيق الذي مرّ عليه زمان يبس فيه. و وجه الشبه، الإصفرار والدقة والاعوجاج، وقيل: أقل مدة القدم حول. فلو قال رجل كل مملوك لي قديم فهو حر عتق منهم من مضى له

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

حول وأكثر، وقيل: ستة أشهر. وحكاه بعض الإمامية عن أبي الحسن الرضا رضي الله تعالى عنه. (ج ٢٣ ، ص ٢٠)

٥٢. وأخرج مسلم عن أبي هريرة قال: " قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: اذهب بنعليّ هاتين فمن لقيت من وراء هذا الحائط يشهد أن لا إله إلا الله مستيقناً بها قلبه فبشره بالجنة وحديث البطاقة أشهر من أن يذكر، وكذا الحديث القدسي المروي عن علي الرضا عن آبائه عليهم السلام، وجاء: من كان آخر كلامه من الدنيا لا إله إلا الله دخل الجنة أي بلا حساب، وإلا فما الفرق بين ذلك ومن قالها ولم تكن آخر كلامه من الدنيا؟ (ج ٢٦، ص ٦٠ ، ٦١)

٥٣. وحكى الطبرسي عن الرضا رضي الله تعالى عنه أن من اعتقد الحق ثم أذنب ولم يتب عذب في البرزخ ويخرج يوم القيامة وليس له ذنب يسأل عنه، ولعمري إن الرضا لم يقل ذلك. (ج ٢٧، ص ١١٤)

٥٤. أخرج العياشي بإسناده عن الحسين بن خالد عن أبي الحسن الرضا رضي الله تعالى عنه قال: بسط كفه اليسرى ثم وضع اليمنى عليها فقال: " هذه الأرض الدنيا والسماء الدنيا عليها قبة، والأرض الثانية فوق السماء الدنيا والسماء الثانية فوقها قبة، والأرض الثالثة فوق السماء الثانية والسماء الثالثة فوقها قبة حتى ذكر الرابعة والخامسة والسادسة، فقال: والأرض السابعة فوق السماء السادسة والسماء السابعة فوقها قبة. وعرش الرحمن فوق السماء السابعة، وهو قوله تعالى: (سبع سماوات ومن الأرض مثلهن) الخ. (ج ٢٨، ص ١٤٤)

٥٥. والجسم متى تحرك في خلاء لا يسكن لعدم المعارض، فليكن كل أرض من هذه الأرضين محمولة بين القدرة بين كل سماءين، على نحو ما سمعت عن الرضا على آبائه وعليه السلام.(ج ٢٨، ص ١٤٤)

٥٦. وعن علي الرضا بن موسى الكاظم على جدهما وعليه السلام أنه يزيل نكهة الفم ويطول الشعر وهو أمان من الفالج. (ج ٣٠ ، ص ١٧٤)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

منابع

مجموعه منابع مورد استفاده دراین تحقیق (براساس نرم افزار مکته اهل بیت﵈) به شرح زیر می‌باشد.

۱. *التبیان فی إعراب القرآن، أبو البقاء العکبری*، م. ۶۱۶ ، الأولی، بیت الأفکار الدولیة / عمان – ریاض.

۲. *تفسیر السمرقندی*، أبو اللیث السمرقندی، ۳ ج، م. ۳۸۳، د.محمود مطرجی، بیروت – دار الفکر.

۳. *البیان فی عد آی القرآن*، أبو عمرو الدانی، م. ۴۴۴، غانم قدوری الحمد، الأولی، ۱۴۱۴ – ۱۹۹۴م، الکویت- مرکز المخطوطات والتراث.

۴. *تفسیر أبی السعود*، أبی السعود، ۹ ج، م. ۹۵۱، دار إحیاء التراث العربی – بیروت، دار إحیاء التراث العربی – بیروت.

۵. *تفسیر البحر المحیط*، أبی حیان الأندلسی، ۸ ج، م. ۷۴۵، الشیخ عادل أحمد عبد الموجود – الشیخ علی محمد معوض. شارک فی التحقیق: د.زکریا عبد المجید النوقی، د.أحمد النجولی الجمل، الأولی، ۱۴۲۲ – ۲۰۰۱م، لبنان/ بیروت – دار الکتب العلمیة.

۶. *تفسیر ابن عربی*، إبن عربی، ۲ ج، م. ۶۳۸، ضبطه وصححه وقدم له الشیخ عبد الوارث محمد علی، الأولی، ۱۴۲۲ – ۲۰۰۱م، لبنان/ بیروت – دار الکتب العلمیة.

۷. *تفسیر ابن زمنین*، ابن أبی الزمنین، ۵ ج، م. ۳۹۹، أبو عبد الله حسین بن عکاشة – محمد بن مصطفی الکنز، الأولی، ۱۴۲۳ – ۲۰۰۲م، مصر/ القاهرة – الفاروق الحدیثة.

۸. *تفسیر القرآن العظیم* (تفسیر ابن أبی حاتم)، ابن أبی حاتم الرازی، ۱۳ ج، م. ۳۲۷، أسعد محمد الطبیب، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

۹. *زاد المسیر فی علم التفسیر*، ابن الجوزی، ۸ ج، م. ۵۹۷، محمد بن عبد الرحمن عبد الله، الطبعة الأولی، جمادی الأولی ۱۴۰۷ – کانون الثانی ۱۹۸۷ م، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

۱۰. *نواسخ القرآن*، ابن الجوزی، م. ۵۹۷، دار الکتب العلمیة. بیروت.

۱۱. *أحکام القرآن*، ابن العربی، ۴ ج، م. ۵۴۳، محمد عبد القادر عطا، لبنان – دار الفکر للطباعة والنشر.

۱۲. *دقائق التفسیر*، ابن تیمیة، ۳ ج، م. ۷۲۸، د. محمد السید الجلیند، الثانیة، ۱۴۰۴، دمشق – مؤسسة علوم القرآن، مؤسسة علوم القرآن.

۱۳. *العجاب فی بیان الأسباب*، ابن حجر، ۲ ج، م. ۸۵۲، عبد الحکیم محمد الأنیس، الأولی، ۱۴۱۸ – ۱۹۹۷م، السعودیة – دار ابن الجوزی.

۱۴. *الناسخ والمنسوخ*، ابن حزم، م.۴۵۶، د . عبد الغفار سلیمان البنداری، الأولی، ۱۴۰۶، دار الکتب العلمیة. بیروت – لبنان.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

۱۵. *الحجة فی القراءات السبع*، ابن خالویه، م.۳۷۰، تحقیق و شرح: الدکتور عبد العال سالم مکرم، ۱۹۷۱ م، دار الشروف – بیروت – لبنان.
۱۶. *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، ابن عطیة الأندلسی، ۵ ج، م. ۵۴۶، عبد السلام عبد الشافی محمد، الأولی، ۱۴۱۳ – ۱۹۹۳م، لبنان – دار الکتب العلمیة.
۱۷. *الأمثال فی القرآن*، ابن قیم الجوزیة، م.۷۵۱، الأولی، ۱۴۰۶، مکتبة الصحابة – طنطا.
۱۸. *التبیان فی أقسام القرآن*، ابن قیم الجوزیة، م.۷۵۱، دار الفکر.
۱۹. *تفسیر القرآن العظیم* (تفسیر ابن کثیر)، ابن کثیر، ۴ ج، م. ۷۷۴، تقدیم : یوسف عبد الرحمن المرعشلی، ۱۴۱۲ – ۱۹۹۲ م، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزیع – بیروت – لبنان.
۲۰. *تفسیر الآلوسی*، الآلوسی، ۳۰، ج، م. ۱۲۷۰.
۲۱. *أحکام القرآن*، الإمام الشافعی، ۲ ج، م. ۲۰۴، عبد الغنی عبد الخالق، ۱۴۰۰، بیروت – دار الکتب العلمیة.
۲۲. *إعجاز القرآن، الباقلانی*، م. ۴۰۳، السید أحمد صقر، الثالثة، دار المعارف – مصر.
۲۳. *تمهید الأوائل وتلخیص الدلائل*، الباقلانی، م. ۴۰۳، الشیخ عماد الدین أحمد حیدر – مرکز الخدمات والأبحاث الثقافیة، الثالثة، ۱۴۱۴ – ۱۹۹۳ م.
۲۴. *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن* (تفسیر البغوی)، البغوی، ۴ ج، م. ۵۱۰، خالد عبد الرحمن العک، بیروت – دار المعرفة،
۲۵. *تفسیر البیضاوی*، البیضاوی، ۵، ج، م. ۶۸۲، بیروت – دار الفکر، دار الفکر.
۲۶. *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن* (تفسیر الثعالبی)، الثعالبی، ۵ ج، م. ۸۷۵، الدکتور عبد الفتاح أبو سنة – الشیخ علی محمد معوض – والشیخ عادل أحمد عبد الموجود، الأولی، ۱۴۱۸، دار إحیاء التراث العربی – بیروت.
۲۷. *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن* (تفسیر الثعلبی)، الثعلبی، ۱۰ ج، م. ۴۲۷، الإمام أبی محمد بن عاشور، مراجعة وتدقیق الأستاذ نظیر الساعدی، الأولی، ۱۴۲۲ – ۲۰۰۲م، بیروت – لبنان – دار إحیاء التراث العربی.
۲۸. *أحکام القرآن*، الجصاص، ۳ ج، م. ۳۷۰، عبد السلام محمد علی شاهین، الأولی، ۱۴۱۵ – ۱۹۹۵ م، دار الکتب العلمیة – بیروت – لبنان.
۲۹. *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، الحاکم الحسکانی، ۲ ج، م. ق ۵، الشیخ محمد باقر المحمودی، الأولی، ۱۴۱۱– ۱۹۹۰ م، مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی– مجمع إحیاء الثقافة الإسلامیة.
۳۰. *المفردات فی غریب القرآن*، الراغب الأصفهانی، م. ۴۲۵، الثانیة، ۱۴۰۴، دفتر نشر الکتاب.
۳۱. *مفردات ألفاظ القرآن*، الراغب الأصفهانی، م. ۴۲۵، صفوان عدنان داوودی، الثانیة، ۱۴۲۷، سلیمانزاده، طلیعة النور.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

۳۲. *البرهان*، الزركشی، ۴، ج، م. ۷۹۴، محمد أبو الفضل إبراهيم، الأولی، ۱۳۷۶– ۱۹۵۷ م، دار إحياء الكتب العربية، عيسى البابی الحلبی وشركاءه.
۳۳. *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل وعيون الأقاويل فی وجوه التأويل*، الزمخشری، ۴ ج، م. ۵۳۸، ۱۳۸۵ – ۱۹۶۶ م، شركة مكتبة ومطبعة مصطفی البابی الحلبی وأولاده بمصر.
۳۴. *الناسخ والمنسوخ*، السدوسی، م. ۱۱۷، الدكتور حاتم صالح الضامن، الثالثة، ۱۴۰۹، مؤسسة الرسالة – بيروت.
۳۵. *تفسير السلمی*، السلمی، ۲ ج، م. ۴۱۲، سيد عمران، الأولی، ۱۴۲۱– ۲۰۰۱م، لبنان/ بيروت – دار الكتب العلمية.
۳۶. *تفسير السمعانی*، السمعانی، ۶ ج، م. ۴۸۹، ياسر بن إبراهيم و غنيم بن عباس بن غنيم، الأولی، ۱۴۱۸–۱۹۹۷م، – دار الوطن – الرياض.
۳۷. *أضواء البيان*، الشنقيطی، ۹ ج، م. ۱۳۹۳، مكتب البحوث والدراسات.، ۱۴۱۵ – ۱۹۹۵م، بيروت. – دار الفكر للطباعة والنشر.
۳۸. *فتح القدير*، الشوكانی، ۵ ج، م. ۱۲۵۵، عالم الكتب.
۳۹. *تصحيح القراءة*، الشيخ خالد البغدادی، معاصر، الأولی، ۱۴۲۷، مركز الأبحاث العقائدية.
۴۰. *معجزة القرآن*، الشيخ متولی الشعراوی، معاصر، الأولی، ۱۳۹۸ – ۱۹۷۸ م، المختار الإسلامی للطباعة والنشر والتوزيع – القاهرة.
۴۱. *تفسير العز بن عبد السلام*، العز بن عبد السلام، ۳ ج، م. ۶۶۰، الدكتور عبد الله بن إبراهيم الوهبی، الأولی، ۱۴۱۶ / ۱۹۹۶م، بيروت – دار ابن حزم.
۴۲. *التسهيل لعلوم التنزيل*، الغرناطی الكلبی، ۲ ج، م. ۷۴۱، الدكتور عبد الله الخالدی، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم،
۴۳. *تنوير المقباس من تفسير ابن عباس*، الفيروز آبادی، م. ۸۱۷، لبنان – دار الكتب العلمية.
۴۴. *الجامع لأحكام القرآن* (تفسير القرطبی)، القرطبی، ۲۰ ج، م. ۶۷۱، تصحيح: أحمد عبد العليم البردونی، دار إحياء التراث العربی – بيروت – لبنان.
۴۵. *تفسير الجلالين*، المحلی، السيوطی، م. ۸۶۴، تقديم ومراجعة: مروان سوار، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع – بيروت – لبنان.
۴۶. *معانی القرآن*، النحاس، ۶ ج، م. ۳۳۸، الشيخ محمد علی الصابونی، الأولی، ۱۴۰۹، جامعة أم القری – المملكة العربية السعودية.
۴۷. *مدارک التنزيل وحقائق التأويل* (تفسير النسفی)، النسفی، ۴ ج، م. ۵۳۷.
۴۸. *التبيان فی آداب حملة القرآن*، النووی، م.۶۷۶، محمد الحجار، الثالثة، ۱۴۱۴، دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع – بيروت.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

۴۹. *أسباب نزول الآیات*، الواحدی النیسابوری، م.۴۶۸، ۱۳۸۸ – ۱۹۶۸ م، مؤسسة الحلبی وشرکاه للنشر والتوزیع – القاهرة.
۵۰. *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز* (تفسیر الواحدی)، الواحدی النیسابوری، ۲ ج، م. ۴۶۸، صفوان عدنان داوودی، الأولی، ۱۴۱۵، دمشق , بیروت – دار القلم, الدار الشامیة.
۵۱. *الإتقان فی علوم القرآن*، جلال الدین السیوطی، ۲ ج،م. ۹۱۱، سعید المندوب، الأولی، ۱۴۱۶ – ۱۹۹۶م، لبنان – دار الفکر.
۵۲. *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، جلال الدین السیوطی، ۶ ج، م. ۹۱۱، دار المعرفة للطباعة والنشر – بیروت – لبنان.
۵۳. *طبقات المفسرین*، جلال الدین السیوطی، م. ۹۱۱، دار الکتب العلمیة . بیروت.
۵۴. *لباب النقول*، جلال الدین السیوطی، م. ۹۱۱، تصحیح أحمد عبد الشافی، دار الکتب العلمیة – بیروت.
۵۵. *تفسیر الثوری*، سفیان الثوری، م. ۱۶۱، لجنة من العلماء، الأولی، ۱۴۰۳، دار الکتب العلمیة . بیروت – لبنان.
۵۶. *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، سید محمد طنطاوی، معاصر.
۵۷. *تیسیر الکریم الرحمن فی کلام المنان*، عبد الرحمن بن ناصر السعدی، م. ۱۳۷۶، ابن عثیمین، ۱۴۲۱ – ۲۰۰۰م، بیروت – مؤسسة الرسالة.
۵۸. *تفسیر القرآن*، عبد الرزاق الصنعانی، ۳ ج، م. ۲۱۱، الدکتور مصطفی مسلم محمد، الأولی، ۱۴۱۰ – ۱۹۸۹ م، مکتبة الرشد للنشر والتوزیع الریاض – المملکة العربیة السعودیة.
۵۹. *أنوار التنزیل وأسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*، عبد الله بن محمد الشیرازی الشافعی البیضاوی، ۵ ج، م. ۶۸۲، إعداد وتقدیم: محمد عبد الرحمن المرعشلی، الأولی، ۱۴۱۸ – ۱۹۹۸ م، طبع علی مطابع دار إحیاء التراث العربی، بیروت – لبنان.
۶۰. *تفسیر الرازی*، فخر الدین الرازی، ۳۲ ج،م. ۶۰۶، الثالثة.
۶۱. *تفسیر مجاهد*، مجاهد بن جبر، ۲ ج، م. ۱۰۴، عبد الرحمن الطاهر بن محمد السورتی – مجمع البحوث الإسلامیة – إسلام آباد.
۶۲. *القرآن وإعجازه العلمی*، محمد اسماعیل إبراهیم، معاصر، دار الفکر العربی.
۶۳. *کتاب الأصل (المبسوط)*، محمد بن الحسن الشیبانی، ۵ ج، م. ۱۸۹، أبو الوفاء الأفغانی، الأولی، ۱۴۱۰ – ۱۹۹۰ م، عالم الکتب – بیروت – لبنان.
۶۴. *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، محمد بن جریر الطبری، ۳۰ ج، م. ۳۱۰، تقدیم: الشیخ خلیل المیس / ضبط وتوثیق وتخریج: صدقی جمیل العطار، ۱۴۱۵ – ۱۹۹۵ م، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع – بیروت – لبنان.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]

۶۵. *تفسیر آیات من القرآن الکریم*، محمد بن عبد الوهاب، م. ۱۲۰۶، راجع أصوله وصححه ووضع هوامشه وأعده للطبع الدکتور محمد بلتاجی، الأولی، الریاض – مطابع الریاض.
۶۶. *مختصر تفسیر سورة الأنفال*، محمد بن عبد الوهاب، م. ۱۲۰۶، تحقیق د. ناصر بن سعد الرشید، الأولی، الریاض – مطابع الریاض.
۶۷. *تاریخ القرآن الکریم*، محمد طاهر الکردی، معاصر، الأولی، ۱۳۶۵ – ۱۹۴۶ م، مطبعة الفتح – جدة – الحجاز.
۶۸. *التفسیر الحدیث*، محمد عزة دروزة، ۱۰ ج، م. ۱۴۰۴، الثانیة، ۱۴۲۱ – ۲۰۰۰ م، دار الغرب الإسلامی.
۶۹. *مجاز القرآن*، معمر بن المثنی التیمی، ۲ ج، م. ۲۱۰، الدکتور محمد فؤاد سزگین، الثانیة، ۱۳۹۰ – ۱۹۷۰، السعادة بجوار محافظة مصر، مکتبة الخانجی – دار الفکر.
۷۰. *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، مقاتل بن سلیمان، ۳ ج، م. ۱۵۰، أحمد فرید، الأولی، ۱۴۲۴ – ۲۰۰۳م، لبنان/ بیروت – دار الکتب العلمیة.
۷۱. *التفسیر الوسیط*، وهبة الزحیلی، ۳ ج، معاصر، الثانیة، ۱۴۲۷ – ۲۰۰۶ م، دار الفکر – دمشق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.10.39.12.6]